

«معصومه» و هویت‌سازی برای جها نی پریشان

ره‌نگاران/ «معصومه» برخاست، حرکت کرد و راهی منطقه‌ای دوردست شد و تنها تفاوت بنیادین او با پیشینیانش در ماهیت «میدان نبرد» بود.

به گزارش خبرنگار [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ **نوشین کریمی**؛ تاریخ‌شناس، با نام زنان اسوهای گره خورده که هر یک در زمانه خود، تعریف جدیدی از هویت زن مؤمن را در برابر جبر تاریخ و جغرافیا نوشتند. این روایت، خطی مستقیم است که از مدینه آغاز می‌شود، از قم و گیلان می‌گذرد و در لبنان امروز به اوج می‌رسد.

حضرت معصومه (س) در قم، فاطمه آخری (س) در گیلان و «معصومه کرباسی» در جبهه مقاومت، هرکدام پاسخی به یک ضرورت تاریخی بودند. آنها نشان دادند زن مسلمان، محصور در هیچ قالب از پیش تعیین شده‌ای نیست. این نوشتار، با عبور از این سه نقطه عطف، می‌کوشد نشان دهد چگونه «معصومه کرباسی»، حلقه اتصال این میراث کهن به نیازهای هویتی جهان معاصر بود.

چرا که پیش از تحلیل الگوی سوم، باید ریشه‌های آن را در خاکستر تاریخ جستجو کرد.

مانند حضرت معصومه (س) در قم که مهاجرت را برای حفظ مکتب انجام داد.

او دختر امام کاظم (ع) و خواهر امام رضا (ع) بود. اما هویت او تنها در نسبت خانوادگی خلاصه نمی‌شود. هنگامی که امام رضا (ع) به اجبار به مرو فراخوانده شد، حضرت معصومه (س) نیز به امید دیدار برادر به ایران آمد و این سفر، یک حرکت انفعالی نبود؛ یک مهاجرت آگاهانه در دل فضای خفقان و اختناق عباسی بود.

گرچه حضرت معصومه (س) در نهایت در قم رحلت کرد ولی حضورش، آن شهر را به کانون علمی و معنوی شیعه تبدیل کرد. حضورش، «قم» را ساخت و الگوی زنی دانش‌پرور و محوریت بخش در این جغرافیا شد.

و بانویی همچون فاطمه آخری (س) که با توجه به مجاهدتی که داشت، عمیقاً تاثیرگذار بود.

«فاطمه آخری» نیز خواهر امام رضا (ع) بود که به ایران (گیلان)

مهاجرت کرد و با آنچه که در روایات محلی آمده، به تبلیغ و ترویج معارف اهل بیت(ع) در منطقه‌ای دوردست پرداخت و این حضور، نشان از رسالت زدودن غربت از تشیع دارد.

او الگوی زن مبلغ و نفوذگر در بافت محلی را نمایندگی می‌کند که در سکوت و گمنامی، بذر ایمان را در خاکی جدید می‌کارد.

این دو خواهر، دو وجه مکمل از یک حقیقت را نشان می‌دهند و آن این است که زن شیعه، هم می‌تواند کانون علم و زیارت شود مانند حضرت معصومه(س) و هم می‌تواند پیش‌قراول تبلیغ در مناطق دوردست باشد مانند فاطمه آخری(س) زیرا، وجه مشترک هر دو، «حرکت» و «تأثیرگذاری فعال» فراتر از حصار خانه است.

و این جریان همچنان ادامه دارد تا امروز، تا «معصومه کرباسی» که وارث تمام معصومه‌ها است. زیرا گاهی برای مقاومت، لباس رزم می‌پوشد و اسلحه به دست می‌گیرد و گاهی، چادر بر سر می‌کند و قدم‌های استوارش را در دل خطر، هم‌گام با معشوق، برمیدارد.

چمدانش را پر میکند از علم و راستی و با نجابت پله‌های اعتقادش را بالا می‌رود. هم نقش فرزندی را خوب بلد است و هم همسرداری را می‌داند و هم مادر بودن را می‌فهمد.

خودش را در حصار غربت پنهان نمی‌کند و مانند یک زن نجیب و آزاده با حرکت در مسیر حق، با حفظ قداست، ظلمت را از نور خودش روشن می‌کند.

جنگ را می‌فهمد و قبل از آن همراه و همدل بودن را باور دارد و در خطرناک‌ترین منطقه جنگی، با حضوری آگاهانه و شرافتمندانه، زیستن را انتخاب می‌کند چرا که مقاومت را در استمرار، همراهی و، تربیت نسل و حفظ آرمان‌هایش می‌داند و رشد می‌دهد، تا با شکل‌دهی یک خانواده جهادی، بتواند سنگ بنای تمدن مقاومت را استوارتر، قرار دهد.

آری، «معصومه کرباسی» که توانست برای جهانی پریشان، هویت‌سازی کند. دقیقاً در جهانی که رسانه‌ها تلاش می‌کنند زن مسلمان را مظلوم و یا افراطی نشان دهند. درحالی‌که زن مسلمان، خود انتخاب‌گر مسیرش است و چه بهتر که آن مسیر به شهادت ختم شود.

جهانی که بی‌وجود زن، مادر و یک عاشق بی‌معناست و تعادلش در

نافرجامی عجیبی غرق می شود و «معصومه» با تولید برکت، شهادت و مکتب دینی‌اش، با سرمایه وجودی خود و خانواده‌اش، بزرگ‌ترین کسب و کار یعنی تجارت با خدا را (بر اساس آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ بِمَنْ آلِهَةٍ مِنْ آلِهَتِهِمْ مِثْرًا بَعْدَ مِثْرٍ...» (راه انداخت و بدون شک سرمشق قرار دادن این الگو، جامعه را به سوی تولید ارزشهای ماندگار سوق می‌دهد.

چرا که میدانیم «معصومه کرباسی»ها یک اسطوره دور از دسترس نیستند و می توانند یک الگوی قابل اقتدا برای نسل امروز باشند. چرا که بخشی از تاریخ علمی، دینی، ادبی و مقاومت ما با نام او گره خورده است.

او برخاست، حرکت کرد و راهی منطقه‌ای دوردست شد و تنها تفاوت بنیادین او با پیشینیانش در ماهیت «میدان نبرد» بود.

میدان «معصومه»، دیگر فقط عرصه علم یا تبلیغ نبود؛ عرصه نبرد فیزیکی و ایدئولوژیک با شرارتی به نام «صهیونیست» بود و ازین رو، شجاعت جهادی زمانه خود را به آن افزود.

با توجه به اینکه همسر و همراه بود، اما این همراهی، یک «تبعیت محض» نبود، بلکه یک اتحاد استراتژیک در یک مأموریت بزرگتر بود.

معصومه روایت ما ثابت کرد که زن مسلمان امروز می‌تواند در عین حفظ نقشهای ارزشمند خانوادگی، یک فاعل شناسا و مؤثر در عرصه بین‌المللی باشد.

او نه در خانه نشست، نه به تقلید از الگوهای غیرخودی پرداخت بلکه «مسئولیت اجتماعی- جهادی» خود را تعریف کرد و این، عصاره الگوی زن مسلمان است. زنی که هویت خود را از مشارکت در دفاع از آرمانی فراملی می‌سازد.



البته شهادت «معصومه کرباسی» نقطه تحول هویت او از «محلی» به «جهانی» است.

کسی که ترس مرگ و وابستگی‌های دنیوی را برای خدمت به آرمانی الهی کنار گذاشت و برای رساندن درد مظلوم در لبنان و غزه و... از درد خود گذشت چرا که زن ایرانی، خود را مسئول این درد فرامرزی می‌داند.

نام معصومه کرباسی، امروز برای هر یک از دختران جوان و تحصیل کرده و آزاد اندیشی که در هر نقطه از جهان زیست می‌کنند و به عدالت می‌اندیشد، می‌تواند معنا بخش باشد.

مسیر، یکروز می‌تواند از مدینه و قم و گیلان و لبنان بگذرد و یک روز صدایش را در کل جهان شنید که تکامل الگوی زن شیعه را فریاد می‌زند... و این روحیه مسئولیت‌پذیری، حرکت و تأثیرگذاری در واقع نشان می‌دهد که «هویت زن مسلمان، نه در واکنش به کسی، بلکه در اقدام برای آرمان خودش تعریف می‌شود» و این، ماندگارترین پیام است.

درنگی بر زیستِ عقیفانه و جهادی معصومه کرباسی

ره‌نگاران/ گرچه رسانه‌های جهانی، زن مسلمان را، یا در پس چادر و یا در پشت چهره‌ای افراطی نماد ستم نشان می‌دهند که قربانی جبرِ عقاید مردان است، اما، شهادت «معصومه کرباسی» پاسخی درخشان و خونین به این روایت‌های تحریف‌گر است.

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ فاطمه لطیفی فعال رسانه در یادداشتی نوشت؛ جهان مدرن، زن را در دو قاب متضاد به تماشا گذاشته است. یا موجودی منفعل، محصور در حصار سنت‌های تحمیلی، یا کالایی رها شده در بازار مصرف‌گرایی غرب. اما این دو تصویر قالب، سال‌هاست که هویت زن مسلمان را در محاقی از ابهام یا تحریف فرو برده است. چرا که در گوشه‌ای از جغرافیای مقاومت، زنی پیدا می‌شود که نه در حصر کهنه‌پرستان ماند، نه در دام نوگرایان بی‌قید افتاد و او کسی نبود جز «معصومه کرباسی».

«معصومه» که همراه همسرش «رضا عباسی»، نه از روی جبر، که از سر اختیار از ایران، راهی لبنان شد، فراتر از یک سفر جغرافیایی، یک بیانیه هویتی برای همه آزاد اندیشان بود.

او با گام نهادن در مسیر شهادت، به جهان نشان داد که زن مسلمان، خود، نگارگر تصویر وجود خویش است و می‌تواند با یک انتخاب آگاهانه، هم الگوی سوم زن مسلمان را ترسیم کند و هم هویتی جهانی برای خود بسازد.

«معصومه کرباسی» سوژه‌ای فعال بود. سوژه‌ای که هویت خود را نه در تقابل، که در تکامل همراه با همسر و در خدمت به آرمانی بزرگ‌تر جستجو می‌کرد.

جوهره‌ای که به عنوان یک الگو، نه زن را از عرصه عمومی می‌راند و نه قداست خانواده و حریم عفت را نادیده می‌گیرد.

گرچه رسانه‌های جهانی، زن مسلمان را، یا در پس چادر و یا در پشت چهره‌ای افراطی نماد ستم نشان می‌دهند که قربانی جبرِ عقاید مردان است، اما، شهادت «معصومه کرباسی» پاسخی درخشان و خونین به این روایت‌های تحریف‌گر است.

زیرا حضور اجتماعی زنانی همچون «معصومه» که با سلاح ایثار، عفاف و حجاب به دنبال حفظ هویت زن مسلمان هستند نامش «جهاد» است نه «قربانی». آنهم نه در ایران، نه در قالب زن مسلمان شیعه، بلکه

خارج از مرزها و با مخاطبین جهانی. شاید پیش از شهادتش من و خیلی های دیگر حتی نام «معصومه کرباسی» را نشنیده بودیم چرا که معتقدم هر کس رسالتی دارد و «معصومه» نیامد تا حرف بزند بلکه آمد تا سکوت معنادار انتخاب خود را به رخ جهانیان بکشد.

او در تقاطع «الگوی سوم» و «هویت جهانی» ایستاد و با حرکت به سوی شهادت، ثابت کرد امروز، نام «معصومه کرباسی»، تنها یک نام در لیست شهدا نیست؛ او خود، یک بیانیه است. بیانیه ای که میگوید زن مسلمان، خود سرنوشتش را می نویسد، حتی اگر با خون پاکش باشد. و چه زیباست اگر امروز در جستجوی هویتی که غرب در تلاش برای پنهان کردنش است بتوانیم این میراث هویتی را برای نسلهایی که در جستجوی معنایی راستین برای «بودن خود» هستند بهتر بشناسیم و بشناسانیم. همراهی و همسویی «معصومه» با همسرش، نمونه ای از همسران مجاهد بود که نه تنها مانع حضور همسرشان در جبهه های مقاومت نشدند، بلکه خود نیز با همراهی آنان، مسیر خطرناک جهاد در سرزمینی دیگر را پذیرفتند.

حضور داوطلبانه در لبنان، که در اوج درگیری ها با اسرائیل غاصب است، نیازمند شجاعت و روحیه ای استوار داشت که طبق روایت های زیادی از دوستان و همراهانش این همراهی با آگاهی کامل از خطرات، بود.

همین روایت ها، نشان از ارزشهای مقاومت اسلامی و اعتقاد راسخ به دفاع از مکتب اهل بیت(ع) و مبارزه با تروریسم در «معصومه» داشت و شهادتش در کنار همسر(رضا عباسی عواضه) نماد تکامل مسیری جهادی است که با هم آغاز کرده بودند.

او تنها شهید ایرانی است که در جبهه مقاومت به شهادت رسیده است که نشان داد «عفت» به معنای انزوا نیست و میتوان با حفظ حریمها، در خطرناکترین صحنه ها نیز حاضر شد و تأثیرگذار بود.

با توجه به این باور که مقاومت فقط نظامی نیست، حضور «معصومه» به عنوان یک زن، همسر و مادر که همراه و مشوق جریان فکری و عملی خانواده بود، ستون خیمه مقاومت را محکم تر کرد.



اینکه چگونه الگوی یک زن مسلمان مانند «معمومه کرباسی»، می‌تواند هویت زن مسلمان را در جهان امروز تعریف کند همان چیزی است که ما در چهره زنان دیگر جهان و بیداری اسلامی شاهدش هستیم. مانند «مهدیه اسفندیاری» شهروند ایرانی مقیم فرانسه و مترجم و دانش‌آموخته دانشگاه لیون که فقط بخاطر همدردی با کودکان مظلوم فلسطین، در فرانسه زندانی شد و...

«معمومه» دختر ایران با همسر لبنانی اش که عضو حزب الله بود به عنوان یک «زوج نخبه» معرفی شده‌اند. هر دو در دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز درس خواندند و مقطع ارشد را در دانشگاه آمریکایی علم و فناوری بیروت گذرانده و دکتری خود را از دانشگاه تهران اخذ کردند.

مادری که دارای ۵ فرزند بود و در پی اقدام «ترور نخبه‌ها» از سوی سیاست قدیمی صهیونیست‌ها، در نتیجهٔ حملهٔ پهپادی ضدانسانی این رژیم منحوس، در ۲۸ مهر ۱۴۰۳ در یک مکانی عمومی در منطقه جونیه لبنان، دست در دست همسرش، به شهادت رسید.